

# مجله موسیقی

از انتشارات هنرهای زیبای کشور

شماره

۷۷

دوره سوم

خرداد ۱۳۴۲



موسیقی شرقی در مغرب زمین  
رساله جامع علوم انسانی

از آلن دانیلو

سخن گفتن درباره جمعیت شنوندگانی که در مغرب زمین دلاقند به موسیقی

۱ - خوانندگان مجله با نوشته‌ها و نظرات آقای آلن دانیلو موسیقی‌دان و شرق‌شناس عالی‌رتبه فرانسوی آشنائی دارند. ایشان اکنون مشاور شورای بین‌المللی موسیقی بولسکو برای مسائل مربوط به موسیقی شرقی هستند. مقاله حاضر حاوی قسمتهائی از سخنرانی ایشان در کنفرانس اخیر شورای بین‌المللی در رم میباشد که به موضوع «موسیقی و شنوندگان آن» اختصاص داده شده بود.

شرقی هستند کاری است دشوار. انواع کاملاً مختلفی از موسیقی شرقی موجود است که میتواند در مغرب زمین توجه و علاقه شنوندگان متفاوتی را جلب کند. علاوه بر این لازم است که این شنوندگان را، که عده قلیلی از آنان با بعضی از جنبه‌های مختلف موسیقی شرقی آشنائی دارند، به گروه‌های کاملاً متمایزی تقسیم کرد. در این مورد بایستی از همان آغاز کار گروه‌های مختلف زیر را تشخیص داد:

۱- عامه مردم که تقریباً از وجود موسیقی اصیل و سنتی شرقی بی‌خبر است و آنرا نوعی موسیقی عامیانه (Folklore) آسیائی تعبیر میکند. اما این دسته از شنوندگان برای پذیرفتن این نوع موسیقی آمادگی دارد و باشوق و شور از آن استقبال میکند بخصوص هنگامیکه نوازندگان زبردستی که موسیقی متعلق به خانواده هند و ایرانی را اجرا می‌کنند و از لحاظ فنی چیره‌دستی درخشانی دارند برای آنان هنرنمایی کنند. در وهله اول هیچ‌یک از انواع آواز شرقی برای این دسته قابل درک نیست اما با اندک تعلیمی میتواند با آن آشنائی پیدا نموده سپس از گوش دادن بآن لذت ببرد.

۲- شنوندگانی که در این زمینه تخصص دارند و عده آنان تقریباً زیاد است و علاقمند به «اتنوموزیکولوژی» (Ethno-Musicologie) میباشد. این دسته از شنوندگان غالباً موسیقی کلاسیک شرقی و موسیقی عامیانه را از هم تشخیص نمی‌دهند زیرا نحوه آشنائی و نزدیک شدن آنان به موسیقی شرقی خالی از عیب و خطا نبوده است.

اینان در این قبیل موسیقی‌ها هر آنچه غریب و نامأنوس است می‌جویند ولی واقعاً عقیده ندارند که زبانهای موسیقی غیر اروپائی میتوانند بقدرت بیانی دست یابند و گویای عوالمی باشند که فی‌المثل در یک سنفونی براهس سراغ میتوان گرفت.

این گروه نه تنها شنوندگان بدی برای هنرمندان بسزرگ شرقی محسوب می‌شوند بلکه بیش از سایرین موجب تشویش و هراس آنان می‌توانند بسود. چه این هنرمندان از هرچه که مربوط به مردم‌شناسی (Ethnologie) باشد متنفرند زیرا که در مشرق زمین این رشته «علم تحقیق درباره عادات نژادهای پست» شناخته شده است.

۳ - دسته سوم شنوندگان متعصبی هستند که همه تظاهرات و نمایشهای هنری و فکری مشرق زمین را یک نوع تجلی معنوی والائی از اندیشه و روحیه شرقی می‌پندارند حتی تظاهراتی که جنبه کاملاً پیش‌پا افتاده داشته باشند. این دسته شنوندگانی هستند که حسن نیت دارند و در وهله اول بسیار خوش آیند میباشند اما پس از چندی از فرط تملق و بسبب نداشتن قوه تمیز خود هنرمند را با اصطلاح «کلافه» می‌کنند. این دسته سعی دارند هنرمندان را بخود اختصاص دهند و آنانرا از سایر شنوندگان مجزی می‌کنند. عده دسته اخیر زیاد نیست اما فعالیتشان بسیار است.

۴ - دسته چهارم موسیقیدانان میباشند بسیاری از موسیقیدانان جوان بخصوص آنهاییکه به مسائلی که موسیقی معاصر مطرح میسازد آگاهی دارند معمولاً هنرمندان بزرگ شرقی را بسیار می‌ستایند و برایشان اهمیت و ارزش بسزائی قائلند.

این دسته شنوندگانی فهمیده و باهوش هستند اما تعدادشان بسیار کم است. گذشته از آن اینان بیشتر در جستجوی عواملی هستند که بتوانند از آنها در موسیقی خود استفاده نمایند بجای آنکه بکوشند بیشتر بمطالعه جدی امکاناتی که این نوع موسیقی که از موسیقی خود آنان این چنان متفاوت است پردازند.

باور نکردنی است که سازمانهای بین‌المللی که علاقمند به فرهنگ کشورها و تفاهم بین ملل مختلف میباشند تا به امروز راهی برای ترتیب کنسرت‌هایی که بوسیله هنرمندان عالی‌قدر شرقی در مغرب زمین اجرا شود نیافته‌اند و بدانان امکان مسافرت‌هایی به مغرب نداده‌اند تا آنان بتوانند روش‌های مختلف موسیقی عالی شرقی را در آنجا تعلیم دهند و بشناسانند. تنها چند موسسه امریکائی بندرت بده‌ای هنرمند مشهور شرقی امکان داده‌اند که از ایالات متحده امریکا دیدن نمایند و در آنجا بخصوص در دانشگاهها کنسرت‌هایی ترتیب بدهند و در طی مسافرت از مالک اروپائی نیز دیدن نمایند.

در عصر ما امکان پذیر نیست که شاهکارهای هنری کشورهای مختلف را همچون پدیده‌هایی مستقل که بایکدیگر رابطه و پیوندی ندارند انگاشت.

میراث فرهنگی بشری میراث مشترک متعلق به همه ملل گشته است و حفاظت شاهکارهای معماری مصری و موسیقی ژاپونی با اندونزی برای ما همانقدر حائز اهمیت است که برای خود مصریها، ژاپنیها و اندونزیها. اگر نسبت به این آثار در زمینه بین‌المللی توجه مثبتی ابراز نکرد در خود ممالک مزبور چنین بنظر خواهد رسید که این آثار را اهمیتی نیست و در اینصورت در مدتی کم و بیش کوتاه محکوم به انهدام خواهند گشت.

بنابراین ما به حفاظت سنتهای موسیقی اصیل آسیائی امید نمی‌توانیم داشته باشیم مگر آنکه ملل دیگر نیز بهمان نسبت در این زمینه علاقمند و کوشا باشند. این یکی از مهمترین و فوری‌ترین کارهایی است که بایستی در دوره‌ما انجام گیرد و این امر میبایستی موضوع طرح مثبتی از جانب یونسکو و بخصوص شورای بین‌المللی موسیقی قرار گیرد.

ترجمه نسرین آذرین

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی